توصیف واکه ها در گویش لمزانی و مقایسه ی آن با فارسی معیار

محمد صالح ارزن کار*
زهرا انصاری**
جواد دهقانی***

تاریخ دریافت:۹۴/۱۲/۰۸
تاریخ پذیرش:۹۴/۱۲/۰۸

چکیده

گویش لمزانی،گویشی متداول در قسمت مرکز ی بخش مهران است که در شمالی‌ترین محدوده ی شهرستان بندرلنگه، جنوب شرقی بستک و محدوده ی غربی بندرخمیرواقع شده است. مردم شهر لمزان وسیزده روستای همجواردر مرکز بخش، گویشوران این گویش هستند. پژوهش حاضر به بررسی وتوصیف واکه‌های این گویش در تقابل با فارسی معیار می پردازد.در این مقاله، با استفاده از جفت‌های کمینه وبه دست دادن مثال های واجی در سه موضع آغازی، میانی و پایانی، واکه ها بررسی وتوصیف شده‌اند.برآیند این تحقیق مبیّن این نکته است که علاوه بر تمایزاتی در مبحث واکه های مرکب، در مقابل شش واکه‌ی ساده در زبان فارسی معیار،این گویش دارای یازده واکه ی ساده است که در سه دسته ی کوتاه،بلند وکشیده دسته بندی می‌شوند.

کلید واژ ه: گویش لمزانی، فارسی معیار، واج، واکه های ساده، واکه های کشیده، واکه‌های مرکب.

* دانشجویکارشناسیارشدزبانوادبیاتفارسی،دانشگاههرمزگان..arzankar62@yahoo.com
** استادیارگروهزبانوادبیاتفارسی،دانشگاههرمزگان.Ansari_ Zahra@yahoo.com
*** استادیارگروهزبانوادبیاتفارسی،دانشگاههرمزگان.Mirjavad2003@yahoo.com

۱– مقدمه

لمزان مرکز بخش تازه تأسیس «مهران» از توابع شهرستان بندرلنگه است که در محدوده ی شمال شرقی شهرستان بندرلنگه، جنوب شرقی شهرستان بستک و غرب شهرستان بندرخمیر واقع شده است. در بخش مهران به طور کلی سه گویش وجود دارد؛ در قسمت مرکزی بخش شهر لمزان و سیزده روستای کوچک وبزرگ به گویشی تکلم می کنند که از

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

نواحی شرقی و غربی بخش متمایز است وما آن را به اعتبار مرکز بخش مهران، «گویش لمزانی» می‌نامیم. این گویش هم با گویش جنوب فارس موسوم به «دری لارستانی» یا «اَچُمی» هم خانوادگی وقرابت دارد و هم به گویش قسمتی از غرب هرمزگان شبیه است.

تاکنون هیچمحققی درباره‌ی گویش وفرهنگ این منطقه پژوهش یا حتی اظهار نظر نکرده است؛ هرچند با وجود جدا شدن جغرافیایی لمزان از لارستان چنین به نظر می رسد که باید زیر مجموعه ی گویش‌های هرمزگان باشد؛ اما شباهت-های ظاهری وساختاری بسیار با خانواده ی گویش‌های لارستانی در بسیاری جهات، ایجاب می کند آن را به عنوان یکی از گویش‌های ناشناخته و معرفی نشده از خانواده ی گویش‌های لارستانی فرض کنیم .با وجودی که این گویش هیچ گاه مطالعه ومعرفی نگردیده و نیز زیر مجموعه ی خانواده‌ی گویشی خاصی قرار داده نشده است، اما می توان با پژوهش ودقت در ساخت‌های آوایی وصرفی آن وتجزیه و تحلیل داده ها به نتیجه‌ای متقن رسید ؛ پژوهش‌هایی از این دست اگر به صورت علمی صورت پذیرد، می تواند گام‌های مؤثری برای شناساندن این گویش بردارد و مشخص سازد این گویش، گویشی مستقل یا زیر مجموعه‌ای از گویش‌های اطراف است.

2–اهمیت وضرورت تحقیق

در استان هرمزگان به دلیل موقعیت خاص استراتژیک اقتصادی، مجاورت وآمد و شد مکرر با کشورهای حوزه ی خلیج فارسو نیز محرومیت روستاها و معضل کم آبی و بارش بسیار کم باران وبه تبع آن رغبت به شهرنشینی روستائیان، مسئله‌ی صیانت از گویش ها بیش از پیش مهم می نماید؛ چه اینکه در روند روبه رشد فناوری ها وفراگیری زبان معیار ونیز تغییرات گسترده در بخش فرهنگ، زندگی اجتماعی و روند اقتصادی ، عامل وحدت بخش نواحی و قومیت‌ها را که گویش محلی می باشد، در معرض زوال و نابودی قرار داده است . در بخش مهران وشهر لمزان نیز به تبع متروک ماندن شیوه‌ی زیستن قدیم وروی آوردن به فرهنگ زندگی شهرنشینی ، خصوصاً اهتمام بسیاری از خانواده ها به تکلم با خردسالان به زبان فارسی معیار و سعی در همراه کردن خ ود با فرهنگ روز جامعه و جهان، گویش وفرهنگ محلی در معرض بی‌توجهی و آسیب پذیری قرار گرفته است که اقتضا می نماید توجّهی جدی به این گنجینه ی با ارزش و اصیل که معرّف واقعی فرهنگ جامعه می‌باشد، صورت گیرد.

یکی از موارد مهم و ت أثیر گذار در زوال لهجه ها وگویش ها که کمتر به چشم می آید، قرض گیری واجی(phonological borrowing) است. «قرض گیری واجی روندی است که طی آن عناصر والگوهای آوایی یک زبان به زبان دیگر وارد می شوند، ودر نتیجه در نظام آوایی زبان قرض گیرنده تغییراتی ایجاد می کنند.واژه‌های قرضی معمولاً با قواعد آوایی و ویژگی تلفظی زبان قرض گیرنده ، انطباق پیدا می کنند وبه این ترتیب رنگ غیر بومی خود را از دست می‌دهند.»(مدرسی،1391:94)با توجه به این مهم،یعنی قرض گیری واجی و تأثیر آن بر نظام آوایی زبان و آسیب پذیری این گویش زنده ی بومی، در این تحقیق به بررسیوتوصیف یکی از مباحث های مهم واجی ، یعنی واکه ها در گویش لمزانی می‌پردازیم.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

3– شیوه‌ی تحقیق

از آنجا که پیرامون گویش مذکور هیچ گونه مطالعه ای –چه به صورت چاپی وچه به صورت الکترونیکی– انجام نشده است و هیچ منبعیدر این باره موجود نمی باشد، این تحقیق به صورت میدانی انجام گرفته است وبا وجودی که پژوهشگر، خود از گویشوران بومی محسوب می‌شود وطی ده سال به ثبت وضبط داده‌های گویشی اهتمام ورزیده است، اما برای سنجش بهتر و بالابردن دقت پژوهش،از گویشوران اصیل ومدرسه ندیده اعم از کهنسال و میانسال و نیز تعدادی گویشور میانسال آشنا به لغت وشم زبانی ، برای تلفظ دقیق وتصحیح خطاهای احتمالی استفاده شده است. در نهایت پژوهشگر، برای تجزیه و تحلیل داده ها از دانش زبانی خود به ره برده است .برای این منظور، با استفاده از جفت های کمینه و به دست دادن مثال‌ها در مواضع آغازی، میانی وپایانی واژه، واکه‌ها بررسی وتوصیف شده‌اند.

چون این گویش فاقد خط نوشتاری است، بنابراین مثال های استفاده شده در این پژوهش به صورت واج نویسی ارائه شده‌اند.

4– توصیف واکه‌ها

به آوایی که «در گذر از اندام های گویایی به آن چنان مانعی از نوع انسدادی،سایشی،غلطان،کناری و غیره برخورد نکند که در نتیجه‌ی آن، آوای تازه‌ای بدان افزوده شود» (حق شناس،73:1392)، واکه گفته می‌شود. مهم‌ترین عضو در تولید واکه‌ها، زبان است؛ از آن رو که مشخصه‌ی مهم تمایز واکه‌ها یعنی پیشین و پسین بودن و نیز باز و بسته بودن واکه ها به عامل زبان بستگی دارد(ثمره،84:1392). واکه‌های این گویش را می‌توان به دو دسته‌ی ساده و مرکب تقسیم کرد.

4ـ1 ـ واکه ساده

«هرگاه در طول تولید یک واکه،اندام های گویایی در یک حالت بمانند،به طوری که در تمام مراحل تولید ، شکل لب-ها وارتفاع و حالت زبان یکسان بماند آن واکه را ساده می نامند.»(حق شناس،1392: 105). در زبان فارسی بنا به تلفظ رایج مرکز کشور شش واکه‌ی ساده یا بسیط وجود دارد.

این واکه‌ها عبارت اند از:سه واکه‌ی پیشین: اَ (a)، اِ(e) ، ای (i)؛ سه واکه‌ی پسین: آ (ā)، اُ(o)، او(u). این واکه‌ها به دو دسته‌ی «کوتاه» و«بلند» تقسیم می‌شوند(باقری،105:1392).

گویش لمزانی در مبحث واکه ها از فارسی معیارمتمایز است . همانطور که بیان گردید در فارسی معیار شش واکه ی ساده موجود است، در حالی که در این گویش 11 واکه‌ی ساده وجود دارد: سه واکه‌ی کوتاه، پنج واکه‌ی بلند و نیز چهار واکه‌ی کشیده که با فرآیند کشش جبرانی تولید می شوند. واکه‌های کشیده که حاصل حذف همخوان های چاکنایی است ونیز دو واکه‌ی بلند در این گویش، آن را به نحو خاصی متفاوت نموده است.

4ـ1ـ1ـ واکه‌های کوتاه

/a/ اَ

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

(پیشین،باز،گسترده،کوتاه)

«هنگام تولید این واکه،فاصله ی جلوی زبان تا سخت کام حدود دوبرابر مسافتی است که برای تولید /e/ لازم می-باشد.برجستگی زبان اندک، ودر واقع به صورت یکانقباض از جلو به عقب،در بدنه ی زبان ظاهر می شود.کناره‌های زبان با دیوار داخلی دندان های پایین تماس دارد و نوک آن اندکی به عقب کشیده شدهو در پشت دندان های پایین قرار می-گیرد، فاصله ی بین دندان های بالا و پایین در قسمت جلو و فاصله ی لب ها از یکدیگر به حدود دوسانتیمتر می رسد، شکل لب‌ها گسترده‌ی باز است.»(ثمره، 1392: 93)

تفاوتی بین این شیوه ی تولید و تلفظ در گویش لمزانی و زبان فارسی به چشم نمی خورد.همچنین مشخصه‌ی واکی آن، لرزش تار صوتی و واکبری است.

/a/ در تقابل با /ā/ : bar(ثمر) ←bār(بار)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		درمواضع پایانی	
/?assok/	/?allek/	/Pal/	/Čilak/	/ Kesa/	/ Para/
هسته	آویزان	پر	چیره	کیسه	پاره

/e/ اِ

(پیشین، نیم باز، نیم گسترده)

«اندام‌های سازنده‌ی این واکه، بخش پیشین زبان وسخت کام هستند .فاصله‌ی جلوی زبان وسخت کام ،هنگام تولید این واکه،دوبرابر فاصله ای است که برای تولید /i/ لازم است.فاصله‌ی دندان‌های بالا و پایین حدود یک سانتیمتر است . نوک زبان در پشت دندان‌های پایین قرار می گیرد. نرمکام در موقعیت بالاست.تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند و لب‌ها به شکل نیم گسترده در می‌آیند.»(ثمره، 1392: 89).

در این گویش،واک مذکور همانند زبان فارسی تولید می شود. از وجوهات تمایز گویش لمزانی با فارسی معیار، وجود نداشتن واکه‌ی /e/در موضع پایانی واژه است. در فارسی معیار اسم‌ها و صفات مفعولی مختوم به /e/ هستند؛ حال آنکه در گویش لمزانی حرکت پایانی اسم‌ها و صفات هیچ گاه به /e/ ختم نمی‌شود، بلکه مختوم به /a/ است.

/e/ در تقابل با /i/: xer (گلو) ←xir (خور)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		درمواضع پایانی	
/?ex/	/?ešow/	/Heš/	/Peleng/	____	_____
صوت نهی	امشب	شپش	غلت		

/o/ اُ

(پسین،نیم باز ، نیم گرد،کوتاه)

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

برای تولید این واکه ، عقب زبان به طرف نرمکام بالا می رود و در فاصله ای از آن قرار می گیرد که تقریباً دوبرابر مسافتی است که بین این دو عضو هنگام تولید /u/ وجود دارد .بخش پیشین زبان اندکی به طرف عقب کشیده می شود.فاصله‌ی دندان‌های بالا و پایین حدود پنج میلیمتر است .شکل لب‌ها جلو آمده وگرد است،منتهی مقدار جلوآمدگی کمتر از /u/ ولی دایره‌ی لب‌ها وسیع‌تر ازآن است.نرمکام راه عبور هوا را از مسیر بینی مسدود می سازد.تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار می‌گیرند(همان: 94).

در گویش لمزانی نیز به همین شیوه تولید وتلفظ می‌شود.از نظر کاربرد، این واکه درمیانه ی واژه، پربسامدترین است. ابتدای واژه کاربرد بالایی ندارد و در پایان واژه تنها در واژه هایی معدود و انگشت شمار، حرکت پایانی محسوب می - شود.

/o/در تقابل با /u/ :xoŋ (سطحی مدور و چوبی برای پهن کردن آرد خمیر) ←xun (خون)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		درمواضع پایانی	
/?oštor/	/?ontey/	/Toromb/	/Komb/	/Ko/	/Xo/
شتر	آن یکی	تنه‌ی نخل	قوز	که	خب

4ـ1ـ2ـ واکه‌های بلند

/ā/ آ

(پسین،باز،گرد،کشیده،بلند)

هنگام تولید این واکه ، در بخش پسین زبان یک برآمدگی جزئی پدید می آید.مسافت بین عقب زبان ونرمکام حدوداً دوبرابر مسافتی است که بین این دو عضو موقع تولید /o/ وجود دارد.بخش پیشین زبان آزاد است وکناره های آن مماس بر دیواره‌ی داخلی دندان های پایین می باشد.فاصله‌ی بین دندان های بالا وپایین در قسمت جلو در حدود دو سانتیمتر است.لب‌ها اندکی جلو آمده به شکل بیضی گونه ای در می‌آیند وحداکثر فاصله ی آنها از یکدیگر به حدود دو سانتیمتر می‌رسد.نرمکام به بالا کشیده می شود وبه این ترتیب راه عبور هوا از طریق بینی بسته است .تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند(همان:96).

این واکه در گویش لمزانی همانند زبان فارسی تولید وتلفظ می شود. همچنین کشش اضافه وکشش جبرانی نیز از واجگونه‌های این واکه در گویش لمزانی محسوب می‌شوند.

/ā/ در تقابل با/a/: tāl (سنگ بزرگ) ←tal (خیس)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		درمواضع پایانی	
/?āli/	/?āmi/	/Tāl/	/Bāxāl/	/Sewā/	/Telā/
سیب زمینی	عمو	سنگ بزرگ	پدرزن	جدا	طلا

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

/i/ای

(پیشین، بسته، گسترده،کشیده و بلند)

هنگام تولید این واکه ، قسمت جلوی زبان به طرف سخت کام بالا می رود و در فاصله ای نسبت به آن قرار می گیرد که جریان هوا بتواند بدون تولید سایش عبور کند . نوک زبان آزاد است و معمولاً در پشت دندان های پایین قرار می گیرد.فاصله‌ی اندک بین دندان‌های بالا و بین سطح زبان وکام، موجب کمی حجم حفره‌ی دهان می‌شود (همان:87).

در گویش لمزانی این واکه همانند فارسی معیار تولید و تلفظ می‌شود.

/i/ در تقابل با/e/gira/: (گیره) ←gera (مورچه‌ی ریز)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		درمواضع پایانی	
/?Išoŋ/ (ایشان)	/?i/ (این)	/Gipā/ (شکمبه)	/Sir/ (شور)	/Li/ (رو،چهره)	/Pilaki/ (پولک)

/u/ او

(پسین،بسته،گرد وکشیده)

هنگام تولید این واکه، بخش پسین زبان به سوی نرمکام افراشته می شود ودر فاصله‌ای از آن قرار می گیرد که جریان هوا بتواند به آزادی عبور نماید . در تولید آن زبان حداکثر ارتفاع را دارد وفاصله ی دندان های بالا وپایین حدود دو میلیمتر می‌باشد.نرمکام در وضعیت بالا قرار گرفته وبه این طریق راه عبور هوا از بینی مسدود است .تارهای صوتی در وضعیت تولید واک قرار می‌گیرند، لب‌ها به جلو کشیده می‌شوند وبه صورت گرد در می‌آیند(همان:92).

/u/ در تقابل با /o/ : gur (شیفت،یک نیمه از روز) ←gorr(قبراق، سر پا)

واج /u/ در گویش اصیل و قدیم لمزانی کاربرد امروز را نداشته، بلکه محصول تغییرات و فرآیندهای آوایی از واکه‌های /o/ و /ā/بوده است:

تبدیل/o/ به /u/: pol (پل)←pul ، ?o-šom(برویم)←?o-šum

تبدیل /ā/ به /u/: šām (شام)←šum، šomā (شما) ←šomu

آنچه که در بررسی این واکه به دست می آید این است که گویشوران قدیمی این گویش در اغلب موارد در مواضع پایانی واژه، /u/را بدل از /ā/تلفظ می‌کنند:

xāne(خانه) ← xuna

zamān (زمان) ← zamun

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

harām(حرام)	←	harum
takān (تکان)	←	takun
xeyābān(خیابان)	←	xeyābun
gamān (گمان)	←	gamun
nām (نام)	←	num
mā (ما)	←	mu

/ü/

(پیشین، نیم گرد،بلند)

این واکه از خصیصه های واکه‌ای این گویش محسوب می شود که در دهه های گذشته به واکه ی /i/ و امروزه در بین گویشوران تحصیلکرده به /u/ تبدیل می‌شود. تفاوت مهم این واکه با /u/ در این است که /u/از قسمت عقب زبان و با گرد شدن لب‌ها تولید و پسین محسوب می شود و در مقابل، واکه ی /ü/ با کاسته شدن از میزان گردی لب ها،از قسمت جلو زبان تولید می شود و واکه ای پیشین محسوب می شود؛ به همین سبب تبدیل آن به واکه ی پیشین وکشیده ی /i/در بین گویشوران قدیمی و اصیل، راحت تر و معمول‌تر بوده است.از آنجایی که این واکه، هنوز در مواردی ممیز معناست ، واکه‌ای مستقل محسوب می‌شود.

/ü/ در تقابل با /u/ : tür (سرگشته) ←tur(تور) ، pül (پول)←pul (پل)

/ü/در تقابل با /i/ : sür (شور)←sir(سیر) ، dür (دور) ←dir (دیر وقت)

این واکه، سابق در جایگاه واکه‌ی /u/به کار می رفت وگویشوران قدیمی تلفظ /u/را به این واکه تغییر می دادند، در مثال‌های زیر فراوانی این واکه در گویش اصیل لمزانی مشهود است:

zür (زور) ، mür(مور) ، xür(خور) ، gül(فریب) ، tür (سرگشته)

Kür(کور) ، sür (شور) ، gür (گور) güšt (گوشت) ، pül (پول)

داده‌های بالا نشان می دهد که واکه ی /ü/ در بین گویشوران اصیل موجودیّت دارد و در جایگاه /u/ در فارسی معیار، تلفظ می‌شود. این واکه درآغاز و پایان واژه کاربرد ندارد و تنها در بخش میانی آن، به تلفظ در می‌آید. فرآیند حذف از تلفظ پایانی را می‌توان اینگونه نشان داد:

jāru (جارو)	←	jārü	←	jāri
patu (پتو)	←	patü	←	pati
ru (رو)	←	rü	←	ri

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

šu (دود)	←	šü	←	ši
bu (بو)	←	bü	←	bi

تلفظ این واکه در پایان واکه و هجا، تنها در واژه‌هایی معدود، آن هم بین کهنسالان مشهود است:

Kü (کوه) ، dü (تخته سنگ‌های کوهستانی) ، rüxona (رودخانه)

/ɔ/نوعی از (آ)

(پسین، گرد، نیم باز)

این واجگونه، نوعی از واکه‌ی ساده‌ی /ā/ محسوب می‌شود که در فرآیند تولید آن لب ها گرد است و جایگاه تولید آن قسمت پسین زبان است.حق شناس(103:1392) آن را در دسته‌ی واکه‌های نیم باز جای داده است و معتقد است [ɔ] با لب‌های گرد و [ʌ] با لب‌های گسترده تولید می‌شود؛ همچنین درجه‌ی پسین بودن آنها را کمتر از [o،ɤ] می‌داند. در این گویش واجگونه‌ی مذکور در انتهای افعالی واقع می‌شود که قاعدتاً باید مختوم به /o/ باشند، اما به سمت /ā/ گرایش می‌یابد تا حدی که به یکی از واجگونه های /ā/تبدیل می‌شود. در تلفظ بعضی از گویشوران که آمیختگی گویشی نیز دارند ، این واجگونه به شکل /u/ به لفظ می آید. در گویش اصیل لمزانی واجگونه /ɔ/در پایان افعال متعدی ماضی کاربرد چشمگیری دارد.

mo-kɔ	←	کردم
ot-nɔ	←	نهادی
moŋ-xɔ	←	خوردیم
om-barenɔ	←	ریختم
še-xatenɔ	←	می‌خوابانید

4ـ1ـ3ـ واکه‌های کشیده

واکه‌های کشیده یا کشش واکه را می توان واجگونه ای از واکه های ساده دانست . هنگامی که بعد از واکه ها، دو همخوان متوالی بیایند ، معمولاً همخوان اول که معمولاًچاکنایی است از تلفظ حذف و واکه کشیده می شود. واکه‌های کشیده در گویش لمزانی عبارتند از:

/a:/آ (کشیده)

فرآیند تولید این واکه همانند واکه ی کوتاه /a/است؛ با این تفاوت که کشش آن بیشتر است .این کشش واکه ای زمانی پدید می‌آید که واکه‌ی ساده/a/ در مجاورت /h/و /?/ باشند همانند:

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

کهره(بزغاله)	←	ka:ri
نهر	←	na:r
پهلو	←	pa:ri
زهره	←	za:ra
جمع	←	ja:m

این کشش واکه‌ای ممیز معناست:

/a:/ در تقابل با/a/: ša:r (شهر) ←šar(بدی) ، ka:la (قلعه) ←kala(تاقچه)

/e:/ اِ (کشیده)

این واکه همانند/e/ولی با کشش بیشتر تولید می‌شود. هنگامی که بعد از واکه‌ی /e/ یکی همخوان‌های ساکن /y/و /?/ قرار بگیرد،حذف می‌شود و واکه‌ی /e/ برای جبران این حذف، کشیده تلفظ می‌شود همانند:

غیر	←	ɣe:r
خیر	←	xe:r
بیرق	←	be:lak
تریلی	←	tere:li
کویت	←	kowe:t

این واکه نیز ممیز معناست:

/e:/ در تقابل با /e/ : xe:r (خیر) ←xer(گلو) ، ke:la (پیمانه) ←kel (شاباش عروسی)

/o:/ اُ (کشیده)

زمانی که هم خوان های ساکن /h/و /?/ بعد از واکه‌ی /o/ قرار بگیرد، همخوان مذکور حذف می شود و برای جبران آن، کشش واکه‌ای پدید می‌آید.

sohbat (صحبت)	←	so:bat
mohkam(محکم)	←	mo:kam
mohre (مهره)	←	mo:ra
Laxte(لخته)	←	lo:ta
Pahnā (پهنا)	←	po:na

این واکه نیز ممیز معناست:

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

/o:/ در تقابل با mo:r /o/ : (مهر) ←mormor(غرولند)

در بسیاری از موارد این کشش واکه به سوی تلفظ واکه ی /ɔ/گرایش می‌یابد به طوری که تشخیص این دو واکه از هم دشوار می‌نماید نظیر:

kɔna	←	ko:na	←	kohne(محکم)
tɔwit	←	to:wit	←	ta?viz (تعویذ)
sɔn	←	so:n	←	sahn (بشقاب)
mɔ	←	mo:	←	moh(نخل)

4ـ2ـ واکه‌های مرکب

در فرآیند تولید واکه چنانچه «اندام‌های گویایی پیوسته حالت‌های خود را عوض کنند، به شیوه ای که در تمام مراحل تولید، لب ها، ارتفاع و حالت زبان دچار دستخوش گردد آن واکه را مرکب گویند »(حق شناس، 1392: 105)؛ با این تعریف، باید واکه ی مرکب را برحسب ساخت آوایی هر زبان یا گویش مشخص کرد . چه اینکه «ممکن است دو جزء پیاپی در زبانی مصوت مرکب و در زبان دیگر دو مصوت یا پیوند مصوت وصامت باشد ؛ مثلاً پیوند [ay] در زبان فارسی توالی مصوت وصامت محسوب می شود، درحالی که این پیوند در زبان انگلیسی مصوت مرکب به شمار می رود.»(مشکوة الدینی،25:1393). بنا بر اعتقاد ثمره ، تفاوتی که واکه‌ی مرکب با دو واکه ی پی درپی دارد ، این است که مرحله ی تولید واکه‌ی مرکبیک جریان پیوسته و تجزیه ناپذیر است،اما تولید دو واکه ی متوالی،مجزا از یکدیگر صورت می گیرد؛ به طوری که می توان بین آن دو مکث کرد یا حتی جزء دیگری بین آنها اضافه نمود .مثلاً در فارسی معمولاً بین دو واکه‌ی پهلوی هم، می‌توان یک همزه یا حتی همخوان دیگری حایل قرار داد، چنانکه در /dānā+ i →dānā?i/ یا در /zende+ i→zendegi/. به عبارت دیگر در بین دو واکه‌ی مجاور خلئی است که به وسیله‌ی همزه یا همخوان دیگری پر می شود، در صورتی که بین دو جزء واکه‌ی مرکب چنین خلئی وجود ندارد(ثمره، 1392: 48).

در زبان فارسی با توجه به تقسیم بندی ثمره به طور کلی شش واکه‌ی مرکب وجود دارد که عبارتند از:

āy/i	در	pāy
uy/i	در	xuy
ay/i	در	qayyem
ey/i	در	mey
Oy	در	xoy
ow/u	در	dowr

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

«از آنجایی که در هنگام تولید /y/,/w/ هیچ گونه گرفتگی یا تنگی که موجب سایش شود در دستگاه گفتار وجود ندارد ودر ضمن تولدی هر دو آوا همراه با ارتعاش تار آواها ونتیجتاً ایجاد واک می باشد، بنابراین دو آوای مورد بحث را از دیدگاه آواشناسی می توان واکه به حساب آورد » (ثمره،1392: 97)؛ در حالی که«از دیدگاه واج شناسی، پهلوی هم قرار گرفتن دو واکه را هنگامی می توان یک واکه‌ی مرکب به حساب آورد که دو جزء آن بر روی هم نقش یک واکه ی واحد را ایفا کنند، یعنی جزء دوم از جزء اول آن قابل تجزیه نباشد.»(همان: 99).

با بررسی گویش لمزانی به طور کلی می توان 6 واکه‌ی مرکب به دست داد؛ هر چند تمام این واکه ها را از منظر واج شناسی می توان رشته واج هایی مرکب از یک واکه ویک همخوان دانست، اما از دیدگاه واج شناسی واکه ی مرکب به شمار می‌روند. واکه‌های مرکب در گویش لمزانی عبارتند از:

/ay/ **آی**

اندام‌های گفتار طی یک فرآیند پیوسته از موقعیت واکه /ā/به سوی واکه‌ی /i/حرکت می‌کنند.اندام‌های سازنده‌ی آن عقب وجلوی زبان است.حرکت زبان از عقب به جلو واز پایین به بالاست(همان: 97).

در گویش لمزانی بو خلاف فارسی معیار ، این واکه تداول اندکی دارد ودر بسیاری از مواضع دستخوش تحریف وتبدیل می‌شود.

در ابتدای بعضی از واژه‌ها این واکه به لفظ می‌آید

حاجی شیخ محمد	←	?āyšamma D
فائقه	←	fāyka
وای و فریاد	←	bāy
چای	←	čāy

در وام واژها، این واکه متحول می شود؛ بدین ترتیب که ابتدا به واکه ی /ey/ بدل می‌شود، سپس واکه‌ی مرکب به کشش واکه‌ای منجر می‌شود.

line (صف،ردیف)	←	leyn	←	le:n
pipe (لوله،شلنگ)	←	peyp	←	Pe:p
light (روشنایی)	←	leyt	←	le:t
time (زمان،وقت)	←	teym	←	te:m
license (گواهی نامه)	←	leysan	←	le:san

در برخی واژه ها نیز /āy/ ، بدون کشش واکه‌ای، به واکه‌ی مرکب /ey/ یا /ay/بدل می‌شود:

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

عایشه	←	?ayša
جای	←	jey
تای(=یکی)	←	tey
خاییدن	←	xayḏa

اُی /oy/

حرکت پیوسته ی گفتار از جایگاه واکه ی /o/شروع می شود ودر حوالی /i/ پایان می یابد.عقب زبان تا جایگاه /o/به طرف نرمکام بالا می رود و پسِ زبان به طرف جلو کشیده می‌شود،قسمت جلو زبان تا ارتفاع لازم برای واکه ی/i/ به سوی سخت کام بالا می رود(همان:98).

این واکه در گویش لمزانی بسامد بالایی ندارد وتنها در واژه‌های معدودی مشاهده شده است:

oy(به او)

xoy(با، همراه)

koy(کجا)

اَی /ay/

حرکت پیوسته ی اندام های گفتار از موقعیت واکداری /a/ به سوی واکه ی /i/صورت می پذیرد؛بدین معنی که جلو زبان از موضع /a/ تا موضع یک /i/ نسبتاً باز بالا می رود، حرکت فک از پایین به بالاست وشکل لب از حالت گسترده ی باز به حالت خنثی در می‌آید.نرمکام راه عبور هوا را از طریق بینی می بندد وتار آواها در موقعیت تولید واک هستند(همان: 98).

در گویش لمزانی این واکه بسامدی متوسط دارد و همانند فارسی در بسیاری از واژها نیز به /ey/بدل می‌شود.از موارد استعمالاین واکه، مصادیق زیر را می توان مثال زد:

گاهی	←	gay
کِی	←	kay
نعیمه	←	nayma
طیّبه	←	taywa
عید	←	?ayḏ
سعیده	←	sayḏa

در واژه هایی مثل حسین، خیر، غیر و... واکه‌ی /a/ به /e/ بدل می‌شود.

اِی /ey/

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

برای تولید این واکه اندام های گفتار طی یک حرکت پیوسته از موقعیت /e/ به سوی/i/ حرکت می کنند.نقطه‌ی پایانی این حرکت نقطه ای است بین /e/ و/i/ که بی شک از /e/ بسته‌تر واز /i/ بازتر است.اندام سازنده ی این واکه جلو زبان است و حرکت زبان از پایین به بالا صورت می گیرد(همان: 98).

در گویش لمزانی این واکه در اکثر موارد جایگزین /ay/می‌شود وسپس در مرحله‌ی آخر به کشش واکه‌ای می‌انجامد.

hoseyen (حسین)	←	?ose:n
γeyr(غیر)	←	γe:r
Meyl(میل)	←	me:l
xeyr(خیر)	←	xe:r
keyl (کیل،میزان)	←	ke:l
seyl	←	se:l

در بعضی از واژه‌ها نیز با کشش اضافه تلفظ می‌شود:

عروس	←	be.y
تیهو	←	te.y
کوچک	←	ke.y
هذیان	←	pere.y
نوزاد	←	nine.y

قابل ذکر است این واکه در اجزا و شناسه‌های فعلی بدون تغییر تلفظ می‌شود:

می‌خواهم	←	mey
می‌خواهی	←	tey
می‌خواهد	←	šey
آمدی	←	hond-ey
ایستاده است	←	veysaðạ
راندن	←	leynaðạ

اُو /ow/

نقطه‌ی شروع برای این واکه ی مرکب جایگاه تولید /o/است؛ بدین معنی که عقب زبان در ارتفاعی که برای تولید/o/لازم است، قرار می‌گیرد. سپس به سوی نرمکام بالا می رود و به ارتفاعی کمتر از آنچه که برای تولید /a/ضروری

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

است، می‌رسد. فک پایین اندکی بالا کشیده می شود ولب‌ها از حالت نیمه گرد به حالت گرد در می آیند.راه عبور هوا از طریق بینی بسته است وتار آواها در اثنای تولید در حال ارتعاش هستند (همان: 98).

در گویش لمزانی نیز این واکه همانند نظیر فارسی آن تولید و تلفظ می شود، و از آنجایی که از نظر تبدیلات واجی معمولاً در این گویش واج /b/و نیز /v/در محیط بعد از واکه، به واج ناسوده ی /w/ بدل می‌شوند، رشته‌ی آوایی /ow/به عنوان پرکاربردترین واکه‌ی مرکب در این گویش محسوب می شود. در اکثر هجاها و واژه‌هایی که مختوم به /āb/یا /av/ هستند واکه‌ی مرکب /ow/ نمود پیدا می‌کند:

خواب	←	xow
آفتاب	←	?aftow
فاریاب(پاریاو)	←	pārow
گلاب	←	golow
سرخاب	←	sorxow
دوشاب	←	dišow
تب	←	tow
نبش	←	nowš
خطایورزش	←	fowl
شنا	←	šenow
شایعه	←	čow
کاکائو	←	kowkow

/aw/ اَو

برای تولید این واکه، حرکت های پیوسته‌ی اندام‌های گفتار از موقعیت /a/شروع می‌شود وعقب زبان به سوی نرمکام افراشته می‌شود. فک پایین به طرف بالا در حرکت است و در حالی که لب ها حالت نیمه باز دارند و نرمکام راه عبور هوا از بینی را مسدود کرده است این آوا با خصیصه‌ی واکبری تولید می‌شود.

این واکه در زبان فارسی معیار وجود ندارد و از ویژگی های منحصر به فرد گویش لمزانی وتفاوت آشکار آن با فارسی معیار در تولید واکه‌ی مرکب است. در این گویش هنگامی که واج‌های لبی و دندانی /b/ ،/v/و /f/بعد از واکه‌ی /a/ قرار بگیرند با تبدیل همخوان‌های مذکور به گونه‌ی ناسوده‌ی /w/، واکه‌ی مرکب /aw/ تولید می‌شود:

کبک	←	kawk

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

طبل	←	tawl
سبز	←	sawð̩
قبر	←	kawr
صبر	←	sawr
کفش	←	kawš
کاه	←	kaw

لازم به ذکر است که در قیاس با فارسی معیار ، در گویش لمزانی واکه‌ی مرکب/uy/ وجود ندارد و از آن جایی که با قواعد گویشی ناهماهنگ است، اغلب واژه های مختوم به این واکه، به واکه ی /ey/یا شکل متحول شده ی آن، بدل می - شوند:

بوی خوش	←	beyxaš
موی سیاه	←	menesiyā
شوی جوان	←	šenejāhel
روی زمین	←	le zemeŋ
توی انبار	←	teambār

5–نتیجه گیری

در این مقاله انواع واکه های گویش لمزانی در تقابل با واکه های فارسی معیار بررسی وتوصیف گردید .نتایج این بررسی بیانگر این است که واکه های گویش لمزانی، همچون زبان فارسی معیار به دو دسته ی ساده ومرکب تقسیم می - شود. واکه‌های ساده به سه نوع : کوتاه، بلند وکشیده دسته بندی می شوند. در مقابلِ شش واکه‌ی ساده در فارسی معیار، در این گویش یازده واکه به چشم می خورد که حاکی از غنای این گویش در مبحث واجی است . دو واکه‌ی بلند /ü/ و /ɔ/ ، و نیز سه واکه‌ی کشیده‌ی /a:/ ، /e:/و /o:/ از موارد تمایز این گویش با زبان فارسی معیار به شمار می رود. واکه‌ی بلند /ü/گونه‌ی اصیل وقدیمی واکه ای است که در فارسی معیار /u/تلفظ می‌شود؛ بعدها بر اثر تأثیر زبان غالب وبا فرآیند پسین شدگی، این واکه در مواضع بسیاری به /u/ بدل گردید. در مبحث واکه‌های مرکب، زبان فارسی دارای شش واکه‌ی /āy/ ، /uy/ ،/ay/ ، /ey/ ،/oy/و/ow/ است که در این گویش واکه‌ی مرکب /uy/ کاربرد ندارد. واکه‌ی /oy/ بیشتر جانشین گونه‌ی معیار /uy/می‌گردد، در مواضعی نیز /uy/به /ey/تبدیل می شود. واکه‌ی مرکب /aw/از دیگراینتمایزات محسوب می‌شود که در واقع حاصل ناسوده شدگی همخوان /b/در خوشه‌ی/ab/است ودرزبان فارسی این واکه وجود ندارد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

منابع و مآخذ

باقری،مهری (1392)،*مقدمات زبان شناسی*، چاپ هفدهم، تهران: قطره.

ثمره، یدالله (1392)، *آواشناسی زبان فارسی (آواها وساخت آوایی هجا)*، چاپ دهم، تهران:مرکز نشر دانشگاهی.

حق شناس، علی محمد(1392)، *آواشناسی(فونتیک)*، چاپ چهاردهم، تهران:آگه.

مدرسی، یحیی (1391)،*درآمدی بر جامعه شناسی زبان* ، چاپ سوم ، تهران:پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مشکوة الدینی، مهدی(1393)، *ساخت آوایی زبان*، چاپ هفتم، مشهد:دانشگاه فردوسی مشهد.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

The Description of the Vowels in Lamzani Dialect and its Comparison with Standard Persian Language

Mohammad SalehArzankar, Zahra Ansari, JavadDehghaniyan

Abstract

Lamazani dialect is the most popular dialect in the central district in Mehran county, which is located in the farnorthern area of BandarLengeh, in the southeast of Bastak and the west of Bandar Khamir. The people in Lamzan and thirteen neighboring villages are the speakers of this dialect. This study examines the phonetic and the morphological features of Lamzani dialect in comparison with the standard Persion language. This article examines and describes the vowelsby using minimal pairs and several morphological examples at the beginning, middle, or end of the word. The results of this study indicate that in addition to the differences in the diphthongs, unlike the standard Persian, which has six monophthongs, this dialect has eleven monophthongs that fall into the three categories: short, longs, and tense.

Key Words

Lamzani dialect, Standard Persian language, Phoneme, Monophthongs, Diphthongs, Tense Vowels

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-13]